

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و تنظیم: سهیلا

۱۰ جولای ۲۰۲۲

تدارک جنگ نیابتی علیه چین توسط امپریالیسم امریکا

از زمان ریاست جمهوری "بارک اوباما" و اعلام شروع سیاست خارجی "تمرکز بر شرق دور" تمرکز و جهت گیری ستراتیژیک امپریالیسم امریکا از خاورمیانه به شرق دور، ابعاد جدیدی به خود گرفت و توجه و منافع امریکا بیشتر به سوی آسیا-اقیانوسیه معطوف شد. (۱) امپریالیسم امریکا از زمان شروع این سیاست، به تدریج به دنبال تضعیف و محاصره اقتصادی-سیاسی-نظامی چین بوده است. با این که دولت امریکا پس از برقرار شدن مجدد روابط دیپلماتیک میان امریکا و چین در سال ۱۹۷۹، سیاست "چین واحد" را پذیرفته و دولت چین را به عنوان دولت قانونی تمام چین (از جمله تایوان) به رسمیت شناخته، اکنون دولت بایدن با ادامه سیاست دولت اوباما و ترمپ در رابطه با چین، به طرز تحریک آمیزی به تضعیف سیاست "چین واحد" پرداخته است. به عنوان مثال امپریالیسم امریکا در حال تسلیح تایوان برای شروع یک جنگ فرسایشی علیه چین و ادامه تحرکات بحری خود در بحیره چین تحت عنوان "آزادی بحرنوردی" است. همچنین ارتش امریکا یک کشتی جنگی را در روز ۱۰ ماه مه به تنگه تایوان فرستاد و هنگامی که چین با افزایش فعالیت های هوایی خود در مرزهای تایوان به این تحرکات پاسخ داد، دولت امریکا چین را به تدارکات جنگی متهم کرد.

واقعیت این است که دولت بایدن که اکنون با تشدید بحران های اجتماعی و اقتصادی بی سابقه و خطر تشدید مبارزات طبقاتی در داخل و خارج کشور روبه رو شده، علاوه بر درگیر کردن هر چه بیشتر اروپا در سیاست های میلیتاریستی، در حال زمینه چینی برای افزایش و تشدید جنگ ها در آسیا و تهدید جهان با درگیری قدرت های دارای سلاح هسته ای می باشد.

حتی با مراجعه به اظهارات مقامات دولت بایدن نیز می توان دید که ادامه سیاست خارجی "محور آسیا" در عمل به تدارک برای جنگ های جدیدی در منطقه آسیا-اقیانوسیه منجر شده است. امریکائی ها حتی می کوشند جنگ در اوکراین را نیز به همین جهت کانالیزه کنند. آنها چین را تحت فشار گذاشته اند که از روسیه حمایت نکند. به عنوان مثال مراجعه به سخنرانی "آنتونی بلینکن" وزیر امور خارجه امریکا در روز پنجشنبه ۲۶ مه ۲۰۲۲ نشان می دهد که هدف ستراتیژیک و سیاست خارجی اصلی امریکا همزمان با ادامه و تشدید جنگ نیابتی در اوکراین، فلج و منزوی و مهار کردن چین از طریق حمله نظامی (مستقیم یا نیابتی) به آن کشور است. بلینکن در سخنرانی خود اظهار داشت که "... حتی زمانی که جنگ روسیه در جریان است، تمرکز ما همچنان روی جدی ترین مشکل نظم جهانی، مشکلی که چین ایجاد کرده، می باشد. چین تنها کشوری است که هم قصد بر هم زدن نظم جهانی را دارد و هم دارای قدرت اقتصادی،

دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژی مدرن برای انجام این کار است ... و ما از منافع خود در برابر هر تهدیدی دفاع خواهیم کرد." (۲)

بلیکن با اشاره به سیاست تعامل دولت آمریکا با چین در دوران ریاست جمهوری نیکسون، گفت که "چین کنونی با چین ۵۰ سال پیش که نیکسون به چندین دهه روابط پرتشنج با آن پایان داد، بسیار تفاوت دارد. ... اکنون چین یک قدرت بزرگ جهانی شده و به دنبال تسلط بر تکنولوژی و صنایع آینده است ... چین کنونی سریعاً ارتش خود را مدرن کرده و قصد خود را برای ایجاد حوزه نفوذ در منطقه و تبدیل شدن به ابر قدرت اعلام کرده است..." (۳)

اظهارات بلیکن نشان می دهد که هدف اصلی سیاست خارجی دولت کنونی آمریکا نیز مانند دولت اوپاما و ترمپ، مقدمه چینی برای درگیری نظامی علیه چین است، با این دید که امپریالیسم آمریکا تحمل وجود "ابر قدرت" دیگری به جز خود را ندارد. بلیکن در توجیه این سیاست به شکلی عوامفریبانه به ادعاهای فاقد مبنای عینی دولت ترمپ (مبنی بر اینکه کووید-۱۹ یک ویروس تولید شده در آزمایشگاه ها است و این ادعا که دولت چین مانع تحقیقات بین المللی برای کشف منشأ کووید شده) استناد کرد. بلیکن با تأکید بر این واقعیت که امپریالیسم آمریکا توسعه اقتصادی چین را تهدیدی علیه منافع خود می بیند، ابزارهای امپریالیسم آمریکا برای دفاع از منافع خود در مقابل توسعه چین را اینگونه برشمرد: "منابع فراوان، وسیع ترین ارز ذخیره جهان، قدرتمندترین ارتش جهان ... " یعنی نهایتاً ارتش قدرتمند آمریکا مهمترین تضمین برای حفظ برتری آن در جهان است.

نه تنها اینگونه اظهارات مقامات دولتی آمریکا بلکه سیاست ها و اقدامات عملی آن دولت نیز به وضوح نشان می دهند که ستراتیژی طبقه حاکمه امپریالیسم آمریکا تشدید و گسترش جنگ و در صورت لزوم حضور مستقیم در اوکراین و تایوان و ... است. به عنوان مثال دولت آمریکا اخیراً با سرازیر کردن محموله های عظیمی از سلاح و مهمات به تایوان، قصد تبدیل آن کشور به خط مقدم منطقه جنگی خود علیه چین را دارد. همانطور که اوکراین چنین نقشی را در جنگ علیه روسیه ایفاء کرده است.

دولت آمریکا جهت آماده سازی برای درگیری نظامی با چین به سفرها و جلسه های دیپلماتیک-نظامی نیز دست زده است. به عنوان مثال رهبران گروه امنیتی چهارجانبه (یک گروه ستراتیژیک علیه چین که شامل آمریکا، جاپان، استرالیا و هند است) در طول اولین سفر بایدن به آسیا در روز ۲۳ ماه مه ۲۰۲۲ جلسه مهمی را برگزار کردند که هدف اصلی آن تبانی آمریکا با متحدان و شرکای ستراتیژیک خود برای تضعیف اقتصادی چین و آماده شدن برای جنگ با آن کشور بود. (۴)

سفر بایدن به آسیا و ملاقات های تجاری او با هند و کشورهای حاشیه اقیانوس آرام بخشی از طرح امپریالیسم آمریکا برای اعمال فشار و محاصره چین است. بخشی از حیاتی ترین پایگاه های نظامی آمریکا در کوریای جنوبی و جاپان قرار دارند که ارتش آمریکا در برنامه ریزی های جنگی خود به آنها نیاز دارد. در گزارشات رسمی دولت آمریکا آمده که مذاکراتی حول استقرار راکت های هسته ای میان برد آمریکا در کوریای جنوبی و جاپان در حال انجام هستند. اتحاد نظامی کوریای جنوبی و جاپان به بهانه تهدید فرضی کوریای شمالی انجام شده اما واقعیت این است که این گونه اتحادها علیه چین صورت گرفته اند. علاوه بر این، بایدن در روزهای پیش از سفر به کوریای جنوبی، با رهبران فنلاند و سویدن نیز در کاخ سفید دیدار کرد تا در مورد درخواست آنها برای پیوستن به ناتو با هدف تقویت ائتلاف علیه روسیه مذاکره کند.

هدف امپریالیسم آمریکا از مشغول نمودن چین و روسیه در مرداب جنگ های طولانی فرسایشی و استفاده از توده های مردم تایوان و اوکراین و ... به عنوان گوشت دم توپ، تثبیت کنترل خود بر مناطق ستراتیژیک اروپا-آسیا و پیشگیری

از هر گونه تقابل علیه هژمونی جهانی خود است. شاید برخی معتقد باشند که امپریالیست ها دست به جنگ هسته‌ئی نخواهند زد. اما واقعیت این است که برخی عناصر و محافل امپریالیست هائی که سابقه استفاده از بمب های هسته‌ئی در جنگ جهانی پیشین را دارند به طرز فجیعی تصور می کنند که جنگ هسته‌ئی قابل پیروزی است و می توانند از خود در پناهگاه های زیرزمینی محافظت کنند. برخی از طرفداران این ترها برای توجیه اعمال و نقشه های جنگی تبهکارانه خود علیه خلق ها حتی مدعی اند که جنگ هسته‌ئی را می توان از نظر جغرافیائی محدود کرد یا با استفاده از سلاح اتمی دارای بازدهی کم می توان میزان تخریب را کاهش داد.

بر اساس واقعیت های اقتصادی و ستراتیژیک فعلی و با توجه به سیاست ستراتیژیک امریکا در اقیانوسیه این یک حقیقت انکارناپذیر است که امریکا با شدت هر چه بیشتری در صدد پیشبرد سیاست چند دهه اخیر خود مندرج در سند ستراتیژی دفاعی امریکا برای سده آینده است که مطابق آن این امپریالیسم مصمم است تا به هیچ "قیمتی" حتی جنگ اجازه ظهور یا رشد یک قدرت همسان با "اتحاد جماهیر شوروی" سابق در میان رقبایش را ندهد. تلاش برای تبدیل اوکراین و تایوان به جبهه مقدماتی درگیری نظامی با روسیه و چین، سرازیر کردن سلاح به اوکراین و تایوان، تشدید جنگ اقتصادی و استفاده روزافزون از عامل "تحریم" اقتصادی علیه این رقباء نشانه های آشکار چنین عزمی در امریکا می باشند. اینها اقدامات تحریک کننده، پیش از یک جنگ فاجعه بار هستند. اما از طرف دیگر، امکان این نیز هست که چین به جای درگیر شدن در جنگ نیابتی با تایوان، به امریکا و یا کشور های وابسته به آن حمله کند و یا ممکن است که شرایط اجتماعی در امریکا آنقدر بد شود که توانائی سوق دادن چین به حمله به تایوان را از دست بدهد.

رشد تضادهای درونی سرمایه داری و رقابت های امپریالیستی سرمایه داری محرک همه این رویدادها هستند. امریکا با مشکلات عظیمی در داخل خاک خود روبه رو است که در صورتی که نتواند به هر صورتی آنها را کنترل کند، این کشور را با خطر تشدید غیر قابل کنترل تضادها در دراز مدت و یا آنطور که برخی کارشناسان در خود امریکا تحلیل می کنند حتی به مواجهه با بروز جنگ داخلی نزدیکتر خواهد کرد. امپریالیست های اروپائی نیز با بحران های اقتصادی سیاسی، افزایش قیمت ها، بحران های سیاسی-اجتماعی مربوط به مهاجرت و پناهندگان، کمبود انرژی و ... مواجه اند و اگر در همین مسیر فعلی ادامه دهند، به طور طبیعی با خطر واکنش گسترده طبقه کارگر و مردم خود روبه رو خواهند شد. بنابراین چشم انداز انقلاب های اجتماعی در اروپا و هم امریکا نسبت به گذشته در دسترس تر شده است. درست به همین دلایل واقعی یعنی رشد بحران های اقتصادی-سیاسی و اجتماعی و نارضایتی فزاینده کارگران و زحمتکشان است که ما با رشد میلیتاریزم، و سر بر آوردن دوباره گرایشات فاشیستی و فوق راست ضد مردمی در طبقه حاکم در امریکا، فرانسه و برخی دیگر از کشورهای سرمایه داری روبه رو هستیم.

آنچه که مسلم است این است که تا زمانی که نظم سرمایه داری در جهان مسلط است، جنگ های خانمان سوز سرمایه داران که کاملاً علیه منافع طبقه کارگر می باشد ادامه خواهند یافت. اما علی رغم محاسبات امپریالیست ها، رویدادها پویائی خاص خود را دارند و بسیاری از عوامل دیگر ممکن است این رویدادها را تغییر دهند. مهمتر از همه، نقش انقلابی است که طبقه کارگر آگاه جهانی می تواند در تغییر شرایط ایفاء کند. تنها طبقه کارگر است که مرگ و وحشت و تباهی ناشی از جنگ را در داخل و خارج میدان جنگ عمیقاً تجربه می کند و ذاتاً ضد هر گونه جنگ غارتگرانه و امپریالیستیست که سرمایه داران در صدد به راه انداختن آن می باشند.

سؤال این است که چگونه می توان از شروع و ادامه جنگ، نه تنها جنگ های کنونی، بلکه تمام جنگ های امپریالیستی آینده جلوگیری کرد؟ از آنجا که نظام سرمایه‌داری عامل اصلی جنگ و دیگر مصایب جوامع است، تنها راه متوقف کردن حرکت امریکا به سوی یک جنگ فاجعه بار با چین، مبارزه متحدانه انترناسیونالیستی طبقه کارگر چین، امریکا و

دیگر کشورهای جهان علیه سیستم سرمایه داری و بورژوازی خودی است. مارکسیسم به ما می آموزد که تنها نیروئی که می تواند نهایتاً به جنگ و همه دیگر فلاکت های ناشی از جامعه سرمایه داری پایان دهد، طبقه کارگر آگاه و منسجم است، طبقه ای که دائماً در حال مبارزه برای بقاء می باشد. کارگران جهان می توانند متحدانه با مبارزه پیروزمند انقلابی به حیات ننگین سرمایه داری پایان دهند. چپ انقلابی جهان باید با تبلیغات بورژوائی مبارزه کند، و برای رشد آگاهی انقلابی طبقه کارگر و بسیج آن برای انجام مأموریت تاریخی خود (ایجاد جامعه ای سوسیالیستی) تلاش کند.

در سال های اخیر شاهد تحولات عمیقی در شرایط جهانی هستیم که به وضوح در حال کشاندن بشر به فجایعی عمیق است. طبقه کارگر آگاه جهان می باید اقدامات سیاسی-نظامی تک تک امپریالیست ها به سرکردگی امریکا در اوکراین و تایوان و ... را به مثابه هشدارهائی جدی علیه بشریت تلقی کند. بحران های ناشی از جنگ های امپریالیستی، افزایش هزینه های زندگی و تلاش های طبقات حاکم برای انداختن بار این هزینه ها بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، طبقه کارگر را در سراسر جهان هر چه بیشتر به صحنه مبارزه با طبقات حاکم و ایجاد جنبشی جهانی برای نجات بشریت از شر امپریالیسم خواهد کشاند.

امپریالیسم امریکا به مثابه قدرت مسلط بر جهان کنونی (هرچند در حال افول) همچنان دارای توانائی عظیم اقتصادی-نظامی برای تخریب بشریت است. تنها راهی که بشریت برای نجات خود دارد، انقلاب اجتماعی جهانی به رهبری طبقه کارگر آگاه برای نابود کردن سیستم سرمایه داری، پیش از آن که این سیستم بشر را به نابودی کامل بکشاند، می باشد.

تهیه و تنظیم: سهیلا

خرداد- جوزا- ۱۴۰۱ برابر با جون ۲۰۲۲

زیرنویس ها:

۱- پیش از این در شماره های متعدد نشریه پیام فدائی به زمینه ها و بستر تغییر جهت گیری در سیاست خارجی امریکا که سیاست "محور آسیا" خوانده می شود، اشاره هائی شده است.

۲- آنچه که دولت ها "جنگ روسیه" می خوانند در واقع جنگ روسیه و امریکاست و آنچه که "نظم جهانی" خوانده می شود، تلاش برای تسلط امریکا بر جهان است برای مطالعه کل سخنرانی به لینک زیر رجوع کنید.

<https://www.state.gov/the-administrations-approach-to-the-peoples-republic-of-china/>

۳- Antony Blinken، نقل به معنی

۴- این جلسه در پایگاه هوایی اوسان Osan در پیونگ تاک Pyeongtaek کوریای جنوبی انجام شد.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۲۷۵، خرداد-ما- جوزا- ۱۴۰۱